بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه - مطهرات –طریق ثبوت تطهیر..18/3/1400

مساله چهارم : شک کند برای این نجاست آیا عین و اثری هست یا نه ؟ مثلا لباس نجس شد و آن را کاملا شست و نجاست خون بود حال رنگی روی لباس مانده حال نمی داند این خون با این نشانه آیا جرمش هنوز باقی است یا نه ؟ لذا مشکل موضوعی دارد نه حکمی ، فایده بحث این است که اگر عین و اثرش باشد مانع وصول آب می شود به محل نجاست پس این شیی نجس است اما اگر عین نباشد آب به محل نجاست رسیده و پاک شده است ، دو قول در مساله می باشد :

قول اول : بنای بر عدم عین گذاشتن و این نجاست عینی نداشته است قول مرحوم سید در عروه و هو المختار

قول دوم : حکم به نجاست شود و عین نجس در این نجس زائل نشده است مثل مرحوم آقای خویی و مرحوم حکیم و برخی از مراجع عظام تقلید

دلیل قول اول : شک ما بر می گردد به اینکه مانعی برای تطهیر شرعا بوده یا نه ؟ چون وجود عین نجاست مثل خون مانع از رسیدن آب به محل نجاست است و وقتی شک در وجود مانع می شود باید عدم مانع احراز شود و استصحاب عدم وجود عین جاری می شود و اثرش این است که در مقام تطهیر مانعی نبوده است و به مقداری که لازم بوده شسته شده و در عین حال احتیاط مستحب در دوباره شستن است

اشکال مرحوم اقای خویی : ایشان در تنقیح ج ۳ص ۲۹۱ اشکال کرده است که استصحاب عدم عین، اصل مثبت است و لازمه عقلی آن اثبات تحقق شستن است و با استصحاب عدم وجود عین بخواهید شسته شدن لباس را احراز کنید از اظهر اقسام اصول مثبته است.

اشکال استاد بر ایشان : استصحاب عدم عین اثبات می کند عدم وجود مانع از رسیدن آب به محل نجاست خواه محل نجاست لباس باشد و خواه پوست بدن باشد و استصحاب از اصول محرزه است و در اصول ثابت شد در تنبیه هشتم که اثبات عدم وجود مانع از مصادیق اصل مثبت نیست (فرائد الاصول ج ۲ ص ۲۳۵) بله اگر شک کند که عین نجاست مانع از وصول آب به محل نجاست است یا نه ؟ و بخواهید با استصحاب عدم وجود عین وصول آب به محل نجاست را استصحاب کنید اصل مثبت است چون لازم عقلی مستصحب ما وصول است.

اما دلیل قول دوم : مبنی بر دو امر است ، امر اول : استصحاب عدم عین اصل مثبت است که جواب آن را دادیم

امر دوم : در طهارت حدثیه سیره بر عدم وجود عین جاری است مثلا مردم حمام می رفتند و هر کسی شک کند که آیا در پشت او مانعی از رسیدن آب به پوست بدن هست یا نه اعتنایی نمی کند و حکم به طهارت می کند و وضو و غسل می کردند این طهارت حدثی است اما در جایی که لباس نجس باشد اگر شک کند که زوال نجاست حاصل شده یا نه با این شستن خودش در اینجا سیره مسلمین بر این است که به شک خود اعتنا می کند و استصحاب عدم عین را جاری می کند

اشکال استاد به امر دوم : تفصیل بین طهارت حدثی و خبثی از منظر سیره مسلمین ثابت نشده لذا بسیاری از فقها سیره را همانطوری که در طهرت حدثیه جاری می دانند آن را هم در طهارت خبثیه هم جاری می دانند مثل مرحوم حکیم و مرحوم محقق اردبیلی.

مساله پنجم : وسواس چه وظیفه ای دارد ؟

وظیفه‌اش این است که در مساله تطهیر به همان اندازه متعارف عمل کند و لازم نیست علم به زوال نجاست پیدا کند مثلا مردم با آب قلیل سه بار می شویند او هم سه بار و یا با آب کر یک بار هم بشوید چون شک وسواس غیر عادی است و هر گز دلیل استصحاب او را شامل نمی شود ، لا تنقض الیقین برای شک عادی است نه شک غیر متعارف.

مضافا اینکه شک او را شک شیطانی می خوانند مثل روایت صحیحه عبدالله بن سنان ؛ " قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ وَ قُلْتُ هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ يُطِيعُ‏ الشَّيْطَانَ‏ فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُطِيعُ‏ الشَّيْطَانَ‏ فَقَالَ سَلْهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَيِّ شَيْ‏ءٍ هُوَ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ."[[1]](#footnote-1)

1. وسائل الشيعة / باب 10 من ابواب مقدمة العبادات / ح 1. [↑](#footnote-ref-1)